

خوانشی بر نقش روحانیان در پیروزی انقلاب اسلامی در استان ایلام

(مطالعه موردی: شهر ایلام)

مرتضی اکبری^۱ / مریم قلیجی^۲

چکیده

وقوع انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی از مهم‌ترین وقایع تاریخی نیمه دوم قرن بیستم است. این رویداد محدود به منطقه، شهر یا بخش خاصی نبوده و آحاد ملت ایران در پیروزی آن نقش بسزایی داشتند. مردم استان ایلام هم در سال ۱۳۵۷ همگام و همگرا با دیگر مناطق ایران، علیه استبداد رژیم پهلوی به پا خاستند. از آنجا که رهبری انقلاب اسلامی یک روحانی بود، از این رو به تبعیت از امام خمینی، روحانیان استان ایلام از پیشگامان و مبارزان نهضت امام بودند و به پیشنهاد آنها مردم به تظاهرات علیه رژیم پهلوی پرداختند. به همین منظور این مقاله با روشی توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که روحانیان استان ایلام در پیروزی انقلاب اسلامی در این استان چه نقشی داشته‌اند؟ در پاسخ باید گفت روحانیون مبارز بومی در این نهضت رهبری و هدایت مردم را علیه رژیم پهلوی به عهده داشتند و با سخنرانی، روشنگری، صدور اعلامیه‌ها، برپایی راهپیمایی، تظاهرات و اعتصابات مخالفت خود را با رژیم پهلوی نشان دادند و از این طریق سهم خود را در پیروزی انقلاب اسلامی تثبیت و ادا کردند.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، امام خمینی، رژیم پهلوی، ایلام، روحانیان.

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. (نویسنده مسئول)

mo.akbari@ilam.ac.ir

ghelijimaryam35@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکترای تاریخ محلی، ایلام، ایران.

نوع مقاله: ترویجی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴

A reading on the role of clerics in the victory of the Islamic revolution in Ilam province

Morteza Akbari^۱/ Maryam Gheliji^۲

Abstract

The Islamic Revolution of Iran led by Imam Khomeini (RA) is considered one of the most important historical events of the second half of the 20th century. This event was not limited to a specific region, city or part, and the members of the Iranian nation played a significant role in its victory. The people of Ilam province rose up against the tyranny of the Pahlavi regime in 1357 AH, in sync with other regions of Iran. Since the leader of the Islamic revolution was a cleric, therefore following Imam Khomeini (RA), the clerics of Ilam province were among the pioneers and fighters of the Imam movement, and at their suggestion, the people started demonstrations against the Pahlavi regime. For this purpose, this article, with a descriptive-analytical method, seeks to answer the question, what role did the clerics of Ilam province play in the victory of the Islamic revolution in this province? In response, it should be said that the indigenous militant clerics were responsible for leading and guiding the people against the Pahlavi regime in this movement, and they showed their opposition to the Pahlavi regime by giving speeches, enlightening, issuing declarations, organizing marches, demonstrations and strikes, and in this way, they contributed confirmed and performed in the victory of the Islamic Revolution.

Key words: Islamic revolution, Imam Khomeini (RA), Pahlavi regime, Ilam, clerics.

^۱Assistant Professor, Department of History, Faculty of Humanities, Ilam University, Ilam, Iran. (Responsible author) mo.akbari@ilam.ac.ir
^۲Doctoral local history ghelijimaryam35@gmail.com

۱- مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به وقوع پیوست، اقشار مختلف جامعه اعم از روحانی، دانشجوی، بازاری، فرهنگی و... با گرایش‌های سیاسی و مذهبی گوناگون حضور داشتند. رهبری مذهبی و معنوی انقلاب اسلامی در دست امام خمینی بود. به پیروی از امام خمینی، روحانیان سراسر کشور در هر شهر و دیاری به بیدار سازی مردم برای مبارزه با رژیم رو به زوال پهلوی پرداختند. به دلیل نفوذ معنوی و کلام رو حانیان، مردم در پای سخنرانی‌ها و خطابه‌های آنان می‌نشستند و تحت تأثیر سخنان ایشان، با رژیم پهلوی به مبارزه می‌پرداختند. روحانیان برجسته و بانفوذ استان ایلام در هدایت و رهبری مردم برای مبارزه با رژیم پهلوی نقش عمده‌ای را ایفا می‌کردند. آیت‌الله محمدتقی مروارید، آیت‌الله عبدالرحمن حیدری ایلامی، حجت‌الاسلام‌والمسلمین حاج شیخ عباس سلطانی و حجت‌الاسلام‌والمسلمین حاج شیخ محمد تعمیرکاری از روحانیان متشخص و معروف ایلامی بودند که در رهبری مردم ایلام برای مبارزه با رژیم پهلوی نقش محوری داشتند. روحانیان ایلامی از سال ۱۳۴۲ با شروع حرکت امام خمینی علیه نظام سلطنتی پهلوی با پشتیبانی از مبارزات امام و به پیروی از ایشان، با ایراد سخنرانی، وعظ و خطابه به بیداری مردم این استان پرداختند و برخی از آنان سال‌ها در تبعید و زندان به سر بردند. در کنار روحانیان ایلامی شمار زیادی از روحانیان تبعید شده به استان ایلام، همچون حجت‌الاسلام‌والمسلمین حاج شیخ احمد کافی در شهر ستان ایلام و آیت‌الله طالقانی در شهرستان دهلران، در بیداری مردم این استان برای مبارزه با رژیم شاهنشاهی پهلوی نقش مؤثری داشتند. روحانیان ایلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در تثبیت آن در استان ایلام نقش مؤثری را ایفا نمودند و با اعلام بیزاری از خودمختارها و تجزیه‌طلبان، استان ایلام را از گزند حوادث نامطلوب و جنگ‌های سیاسی و نزاع‌های حزبی نجات دادند. آنان محیطی آرام ایجاد کردند و با اعلام پشتیبانی از انقلاب اسلامی توطئه حرکت جریان‌های تجزیه‌طلب را در این استان خنثی کردند. به همین منظور این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که روحانیان استان ایلام چه نقشی در پیروزی انقلاب اسلامی در استان ایلام داشته‌اند؟ این مقاله خوانشی جدید از این بحث را مورد بررسی قرار داده است.

۲- بیان مسئله

وقوع انقلاب اسلامی ایران منجر به سرنگونی نظام شاهنشاهی و روی کار آمدن حکومت دینی بر پایه مذهب تشیع گردید. میشل فوکو، فیلسوف مشهور فرانسوی و نظریه پرداز فرامدرنیسم، سهم روحانیت و به ویژه هدایت و رهبری انقلاب به دست امام خمینی را در یکپارچه سازی و بسیج نیروهای انقلابی بسیار مؤثر می دانست. او هم به تأثیر مرجعیت و امام در پیروزی انقلاب اعتراف کرده و هم به نقش مذهب شیعه، به مثابه مکتبی انقلابی و موتور محرکه انقلاب — که مهم ترین اصول آن انتظار فرج و قیام در مقابل جباران است — اعتقاد دارد (فوکو، ۱۳۸۹: ۶۶). در اصل فروپاشی یک نظام سیاسی قدرتمند در منطقه چیزی نبود که به آسانی حاصل شود، بلکه به دنبال تلاش و همگرایی عقاید و آراء در سرا سر کشور بود. اگرچه کانون اصلی مبارزات در شهرهای مهم و پرجمعیت مانند تهران، اصفهان، قم، تبریز و ... بود، اما سایر نقاط کشور نیز به نوعی و هریک به سهم خود در این ماجرا به ایفای نقش پرداختند. مردم استان ایلام هم اگرچه از کانون مبارزات دور بودند، اما رهبری روحانیون بومی آنان هم در مبارزات علیه رژیم شاه همگام با سایر مردم کشور در فعالیت انقلابی ضد استبدادی شرکت کردند. شهادت حاج آقا مصطفی (اول آبان ۱۳۵۶ ش) فرزند امام خمینی در نجف اشرف و برگزاری مراسم ترحیم در ایلام، نقطه شروع فعالیت های جدی انقلابی و تشکیل کانون های اعتراض در ایلام شد. شکل گیری حلقه روحانیان یاران امام و اعلام مبارزات دیگر شهرها توسط آنان از تریبون مساجد و تکایا، نخستین اقدام همدلانه و همگام در راستای مبارزه علیه رژیم، با برگزاری مراسم چهلم شهدای یزد، جهرم و اهواز در شهر ایلام رقم خورد. تظاهرات و اعتراضات مردم ایلام همانند دیگر نقاط کشور در تابستان ۱۳۵۷ ادامه داشت تا اینکه در شهریور ۱۳۵۷ نخستین شهدای ایلام تقدیم راه آزادی شدند. با بازگشایی مدارس، فرهنگیان در ائتلاف با روحانیون به ساماندهی اعتصابات پرداختند و پس از سقوط رژیم، ایلام جزو شهرهایی بود که مردم خود حراست از شهر را به عهده گرفتند و عوامل حکومت پهلوی در این استان دیگر نفوذی نداشت. بنابراین این پژوهش به دنبال بررسی چگونگی نقش مؤثر روحانیون شهر ایلام در شکل گیری اعتراضات و رهبری آنان در پیروزی انقلاب اسلامی در این استان و به ویژه شهر ایلام است.

۳- روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع، روش پژوهش در این مقاله، توصیفی - تحلیلی است؛ یعنی پژوهشگر می‌کوشد ابتدا موضوع مورد بحث را توصیف و تشریح و سرانجام ابعاد و زوایای نقش روحانیون در پیروزی انقلاب اسلامی در استان ایلام را تحلیل و تبیین نماید. روش گردآوری اطلاعات در این مقاله عمدتاً کتابخانه‌ای، اسنادی و با استفاده از روزنامه‌های نشر شده در زمان وقوع انقلاب اسلامی است.

۴- پیشینه تحقیق

تاکنون درباره انقلاب اسلامی ایران، آثار متعددی نوشته شده است؛ اما در خصوص انقلاب اسلامی در استان ایلام و نقش روحانیان در این استان و همراهی مردم با آنها در منابع اشاره مختصری شده است. به همین منظور، کتاب «روزشمار انقلاب اسلامی»، مجموعه کتاب‌های روز شمار انقلاب اسلامی، حاصل کار گروهی از محققان و پژوهشگران واحد تدوین تاریخ انقلاب اسلامی در حوزه هنری است که وقایع را از ۱ فروردین ۱۳۵۶ تا ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ پوشش می‌دهند. این مجموعه کتب حضور مردم در صحنه، تظاهرات و راهپیمایی‌ها، افزایش فشارها، اخبار اعتصابات را پوشش می‌دهند که در آن به وقایع ایلام هم اشاره می‌شود (روزشمار انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹). کتاب «نقش زنان استان ایلام در تحولات سیاسی و اجتماعی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس»، در چهار فصل تدوین شده است. در فصل اول، نقش زنان ایلامی در انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ را مورد بررسی قرار داده است. فصل دوم به تحریکات و تجاوز دولت حزب بعث عراق به نوار مرزی استان ایلام از ۱۳۵۸ تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و نقش زنان ایلامی در این دوره پرداخته است. در فصل سوم نقش و حضور زنان استان ایلام در عرصه‌های گوناگون اعم از دفاع، تقویت روحیه رزمندگان و غیره تحلیل شده است و بالاخره در فصل آخر به حفظ و یاد خاطره بانوان شهید و جانباز و ایثارگر استان ذکر شده است (اکبری، ۱۳۹۰). کتاب «انقلاب اسلامی در ایلام» تألیف دکتر سید محمد طاهری مقدم، به همت مرکز اسناد انقلاب اسلامی روانه بازار نشر شد. در این کتاب سعی شده با استفاده از منابع دست‌اول تاریخی از جمله، اسناد به‌جای مانده از ساواک و سایر مراکز امنیتی، روزنامه‌ها،

مطبوعات و خبرنگارهای مختلف و معتبر، مصاحبه با افراد مطلع و حاضر در مقاطع گوناگون نهضت امام خمینی، همچنین منابع معتبری که توسط پژوهشگران صاحب‌نام تألیف شده و گویای تحولات تاریخی استان ایلام است، ضمن ارائه تصویری تاریخی از ایلام و تحولات آن، نقش تاریخی این منطقه در انقلاب اسلامی ایران و اکاوی شود (طاهری مقدم، ۱۴۰۰). پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «نقش مردم ایلام در پیروزی انقلاب اسلامی و تثبیت آن»، به نقش اقشار مختلف استان ایلام در پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته و در این پایان‌نامه به صورت مختصر در مورد همراهی مردم با روحانیان توضیحی ارائه شده است (عابدینی، ۱۳۹۱).

۵- جغرافیای تاریخی استان ایلام

استان ایلام با مساحتی در حدود ۱۹۰۸۶ کیلومتر مربع، در غرب کشور، بین ۳۱ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد (مرکز سالنامه آماری کشور، ۱۳۶۷: ۵-۴؛ علیزاده، ۱۳۷۷: ۲۴). ایلام از جنوب به استان خوزستان و عراق و از شرق به استان لرستان محدود است (بدیع، ۱۳۶۲: ۳/۱۱۲). براساس یافته‌های باستان‌شناسی در ایلام، پیشینه تمدن در ایلام به حدود هشت تا نه هزار سال پیش برمی‌گردد و در تپه علی‌کش در موسیان چنین قدمتی تأیید شده است (اکبری، ۱۳۸۶: ۱۷). ایلام امروزی در عهد باستان ایالتی مستقل و گاهی تحت نفوذ عیلام باستان دارای حیات سیاسی بوده است. ایالات باستانی این منطقه همانند ماسبدان و مهرجانقدق در جریان ورود اسلام به ایران توسط مسلمانان فتح گردید. در اوایل اسلام فرقه‌های مختلفی در ایلام وجود داشت اما بعدها، با تشکیل دولت صفویان مردم این منطقه شیعه شدند. در دوره اتابکان لر، ایلام نقش اساسی را در غرب ایران در جریان‌های سیاسی و اقتصادی ایفا می‌کرد. والیان ایلام مهم‌ترین قدرت‌های محلی در دوره قاجار به‌سبب می‌آمدند که با شکل‌گیری قدرت رضا شاه به سقوط حکومت‌های محلی در این منطقه منجر گردید (اکبری، ۱۳۸۶: ۱۸). استان ایلام تا قبل از سال ۱۳۴۳ یکی از شهرستان‌های تابع استان پنجم کشور (کرمانشاهان) بوده و سپس با تغییراتی از نظر تقسیمات

کشوری و منظم شدن دهستان‌های مجاور در سال ۱۳۴۵ به فرمانداری کل و در سال ۱۳۵۳ش به استان تبدیل و شهر ایلام به‌عنوان مرکز آن انتخاب گردید. استان ایلام ۲۲۰ کیلومتر طول و ۱۰۰ کیلومتر عرض دارد و بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، دارای ده شهرستان به نام‌های آبدانان، ایلام، ایوان، چوار، سیروان، چرداول، دره شهر، مهران و ملک‌شاهی و هلیلان می‌باشد و در حدود ۴۲۵ کیلومتر با کشور عراق مرز مشترک دارد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۵: ۳۷ و تقسیمات کشوری جدید).

۶- نقش روحانیون در انقلاب اسلامی در استان ایلام

فعالیت‌های جدی انقلابی و تشکیل کانون‌های اعتراض در ایلام با شهادت حاج آقا مصطفی خمینی (اول آبان ۱۳۵۶ش) در نجف اشرف و برگزاری مراسم ترحیم آن در ایلام آغاز شد. شکل‌گیری حلقه روحانیون یاران امام همچون آیت‌الله محمدتقی مروارید، آیت‌الله عبدالرحمان حیدری ایلامی، شیخ محمد تعمیرکاری و حجت‌الاسلام والمسلمین عباس سلطانی و اعلام اخبار مبارزات دیگر شهرها توسط آنان از تریبون مساجد و تکایا، نخستین اقدام همدلانه و همگام در راستای مبارزه با رژیم، با برگزاری مراسم چهلم شهدای یزد، جهرم و اهواز در شهر ایلام رقم خورد. به همین منظور نخست به روحانیون فعال در این دوره پرداخته شده است.

۷- زندگی‌نامه آیت‌الله مروارید و مبارزات او

آیت‌الله محمدتقی مروارید در سال ۱۳۰۰ش در شهر مشهد متولد شد. او در یک خانواده مذهبی بزرگ شد و پدرش از روحانیون بارگاه امام رضا (ع) بود. وی تحصیلات حوزوی را در مدرسه نواب مشهد شروع کرد و هم‌کلاس بزرگانی مانند آیت‌الله سیستانی بود. پس از چند سال تحصیل در مشهد، برای ادامه‌ی درس به حوزه علمیه قم رفت و در آنجا تحصیلات حوزوی را ادامه داد. از سال ۱۳۲۵ به بعد چند بار از طریق ایلام به عراق و حوزه علمیه نجف سفر کرد. در این سفرها تدریجاً با مردم ایلام آشنا شد و بالاخره به خواست مردم برای انجام امور دینی و مذهبی مردم در ایلام اقامت گزید. او در شهر ایلام ازدواج کرد و به کار تبلیغ و هدایت دینی مردم مشغول شد. آیت‌الله محمدتقی مروارید در سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ با شروع

نهضت امام خمینی از مروّجان اندیشه‌های ایشان در استان ایلام و غرب کشور بود. در سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ شیخ مروارید، اعلامیه‌های امام خمینی را از طریق برادرش حاج شیخ علی‌اصغر مروارید و طلاب علوم دینی که به ایلام می‌آمدند، دریافت می‌کرد. او این اعلامیه‌ها را برای مردم ایلام در مسجد جامع و حسینیه حائری و سایر مساجد و تکیه‌ها قرائت می‌کرد و به اطلاع مردم می‌رسانید. ایشان در ایلام همیشه بر ضد رژیم پهلوی و به طرفداری از امام خمینی تلاش و تبلیغ می‌کرد. مروارید پس از اعتراض به لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۴۱ به اتهام مبارزه علیه دولت پهلوی، توسط شهربانی ایلام دستگیر شد و به کرمانشاه منتقل گردید و در زندان مرکزی کرمانشاه چند ماه بازداشت شد. او پس از آزادی از زندان، در میان استقبال پرشور مردم به شهر ایلام بازگشت. پس از تبعید امام خمینی به ترکیه در ۱۳ آبان سال ۱۳۴۳، شیخ مروارید همیشه توسط ساواک تحت نظر بود و او را ممنوع‌المنبر کردند. او در میان مردم ایلام به زندگی خود ادامه داد و به مبارزه با رژیم پهلوی پرداخت. در سال ۱۳۵۶ که نهضت امام خمینی شتاب بیشتری گرفت، ایشان همراه با سایر روحانیون، مردم ایلام را به مبارزه با رژیم پهلوی دعوت کرد و در همه حرکت‌ها و تظاهرات مردمی همراه آنها بود. در سال ۱۳۵۷ مجدداً از سوی دولت دستگیر و به زندان «قزل‌قلعه» در تهران منتقل و در آنجا زندانی شد و سپس به زندان اوین منتقل گردید. پس از بالاگرفتن موج انقلاب، او مجدداً همراه بسیاری از زندانیان سیاسی آزاد شد و به ایلام بازگشت و همراه مردم مبارزه خود را ادامه داد. مروارید همیشه تحت پیگرد مأمورین ساواک و شهربانی بود، به نحوی که یک‌بار که به روستای «هفت‌چشمه» فرار کرده بود و می‌خواست با لباس مبدل از دست مأمورین فرار کند، ماشین حامل وی توسط مأمورین به گلوله بسته شد و او مجبور شد چند شب در منزل دوستان و آشنایان بخوابد و مدتی بعد به استان خوزستان برود و در آبادان و خرمشهر به فعالیت سیاسی خود ادامه داد. مروارید در خرمشهر و آبادان با ایراد سخنرانی علیه رژیم پهلوی به مبارزه خود ادامه داد و حتی یک‌بار در آبادان، مأمورین رژیم پهلوی، او را دستگیر و کتک زده بودند. او با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ از آبادان به ایلام بازگشت و مجدداً در کنار مردم قرار گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، او نماینده ولی‌فقیه در جهاد سازندگی استان ایلام بود و بیش از بیست سال در جهاد سازندگی استان

ایلام مشغول تلاش و کوشش بود. او پس از رحلت آیت‌الله حیدری نماینده‌ی مردم ایلام در مجلس خبرگان، در انتخابات میان‌دوره‌ای دوره‌ی اول خبرگان رهبری به نمایندگی مجلس خبرگان از طرف مردم ایلام برگزیده شد. وی در دوره‌ی دفاع مقدس در جبهه‌های ایلام و در کنار رزمندگان حضور داشت و آنها را تشویق به ادامه‌ی دفاع می‌کرد و کمک‌هایی را که از استان ایلام و سایر نقاط کشور برای رزمندگان به دستش می‌رسید، در میان آنها توزیع می‌نمود. او مرتباً به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل سر می‌زد و در کنار رزمندگان ایران اسلامی بود و به آنها دلگرمی می‌داد (مصاحبه، مروارید، مرداد ۱۳۹۰، سند شماره ۴-۱). در نهایت با پذیرش قطعنامه الجزایر سال ۱۹۸۰ میلادی از سوی دولت عراق در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۶۸، تمامی نیروهای عراقی از مرزهای ایران عقب‌نشینی کردند و تنها واحدهای سمبولیکی از نیروهای عراقی به‌عنوان نگهبان و پلیس مرزی در مرز باقی ماند (میس، ۱۴۰۳: www.Psri.ir).

۷-۱- تظاهرات در شهر ایلام

پس از مذاکره‌ی آیت‌الله حیدری با آیت‌الله شریعتمداری درباره‌ی برپایی تظاهرات در ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ در شهر ایلام و دریافت جواب منفی از سوی آیت‌الله شریعتمداری، با هدایت و رهبری روحانیون شهر ایلام از جمله آیت‌الله حیدری، حاج شیخ محمدتقی مروارید، حجت‌الاسلام والمسلمین عباس سلطانی و حاج شیخ عبدالحسن تعمیرکاری به‌منظور اعتراض به رژیم پهلوی، بازار یان ایلامی مغازه‌های خود را در روز ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ تعطیل کردند و بدین صورت اعتراض و انزجار خود را نسبت به رژیم پهلوی نشان دادند (انقلاب اسلامی به روایت ساواک، ۱۳۷۸: ۶/۲۶۴؛ سند شماره ۵).

با ورود شیخ علی‌اصغر مروارید به ایلام که به منزل برادرش شیخ محمدتقی مروارید آمده بود، عده‌ای از جوانان انقلابی ایلام به‌منظور تدارک یک تظاهرات علیه رژیم پهلوی، ولی به بهانه‌ی دیدار با شیخ علی‌اصغر مروارید به منزل ایشان رفتند و در بازگشت، دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۵۷ انجام گرفته است و در این رابطه اداره‌ی ساواک استان ایلام گزارشی از این حرکت انقلابی بدین شرح داده است: «در ساعت ۲۱/۰۵ روز

۱۳۵۷/۴/۳۰ ه.ش عده‌ای در حدود ۱۰۰ الی ۱۵۰ نفر که از محل مسجد امیرالمؤمنین مراجعت می‌کردند، با دادن شعارهایی به نفع خمینی و اهانت به ۶۶ (شاه) به ساختمان اداری سازمان دفاع غیرنظامی ایلام واقع در خیابان خیام با پرتاب کردن سنگ، حمله [کردند] و پس از شکستن تعدادی از شیشه‌ها با مداخله پلیس متفرق گردیدند و افراد شناخته شده عبارت‌اند از حمید دادوند فرزند یعقوب، علی دشتی فرزند میربهرام و محصل سال آخر هنرستان، صادق لطفی محصل سال دوم نظری، ستار شهبازی فرزند کلگه دیپلم دانشسرای اهواز. ضمناً افراد فوق‌الذکر در مجلسی که به‌عنوان ورود شیخ علی‌اصغر مروارید به ایلام در منزل برادرش شیخ محمدتقی مروارید برگزار شده بود شرکت داشتند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹: ۷/ ۳۸۵).

۷-۲- فهرست طرفداران امام خمینی

در تاریخ ۲۴ مهر ۱۳۵۷ ساواک ایلام طی یک گزارش، فهرست اسامی طرفداران امام خمینی در شهر ایلام را منتشر کرده است و اسم آیت‌الله مروارید در ردیف سوم این فهرست قرار دارد (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۰: ۴۳/ ۲۸۳-۲۸۱). آیت‌الله محمدتقی مروارید که از روحانیان انقلابی و در خط امام خمینی بود، با مسافرت به شهرهای استان ایلام و با ایراد سخنرانی، مردم این مناطق را به مبارزه دعوت می‌کرد. در گزارشی از اداره ساواک درباره او آمده است که ایشان با مسافرت به ایوان و مهران، مردم این شهرها را علیه نظام پهلوی به تظاهرات دعوت کرده است. متن گزارش بدین شرح است:

موضوع: شیخ محمدتقی مروارید

۱- نامبرده بالا در تاریخ ۵۷/۹/۳ به‌همراهی چند نفر به بخش ایوان از توابع ایلام عزیمت و پس از سخنرانی تحریک‌آمیز و اظهارات ضدمیهنی اهالی را تحریک و مبادرت به تظاهرات و ایراد شعارهای ضدمیهنی نمودند.

۲- نامبرده در تاریخ ۵۷/۹/۴ به شهرستان مهران عزیمت و پس از دو روز اقامت با سخنرانی‌های تحریک‌آمیز اهالی را وادار به تظاهرات ضد میهنی نموده است (انقلاب اسلامی ایران به روایت ساواک، ۱۳۸۴: ۱۷/ ۱۳۷). پس از بازگشت آیت‌الله مروارید از شهرهای

ایوان و مهران مردم این شهرها دست به تظاهرات زدند و انزجار خود را از رژیم پهلوی نشان دادند.

با درگذشت یکی از روحانیون شهر ایلام به نام سید محمد موسوی، امام جماعت تکیه موسوی ایلام، در تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۵۷ ه.ش تظاهرات دوهزارنفره‌ای به رهبری آیت‌الله حیدری و آیت‌الله مروارید در جریان تشییع جنازه آن روحانی شکل گرفت. در این تظاهرات علاوه بر سردادن شعارهای ضددولتی، حمله به مجسمه رضاشاه پهلوی و زخمی شدن یک تن از مأموران دولتی، آیت‌الله مروارید توسط مأموران دولتی دستگیر شد. آیت‌الله مروارید پس از دستگیری به تهران اعزام شد تا از او بازجویی به عمل آید (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۱۷/۴۷۷).

در تاریخ ۲ دی ۱۳۵۷ ساواک ایلام طی نامه‌ای به ساواک مهران، به شماره ۷۵۶۷/ه در مورد اعلامیه روحانیت ایلام، گزارشی بدین شرح داده است: «اعلامیه‌ای دست‌نویس به امضاء حقیقی و عاظم مخالف رژیم ایلام به نام عبدالرحمن حیدری، محمدتقی مروارید، عباس سلطانی، محمد تعمیرکاری و حسن الهی که در آن خطاب به اهالی استان ایلام و پشتکوه تهیه و پخش شده است، خلاصه آن به شرح زیر می‌باشد: مردم مسلمان و مبارز ایلام و پشتکوه، درود خداوند بر شما که اتحاد و یکپارچگی خود را با تمام مصائب ثابت کرده و آلت دست دستگاه‌های ظلم و فساد نشده و پیوند ناگسستنی خود را با نهضت اسلامی مراجع عالی‌قدر تشیع و روحانیت ایلام به اثبات رسانیدید. ما ضمن تشکر و قدردانی از شما مردم بیدار دل در شهر و قصبات [که] جنایات و اعمال وحشیانه حکومت طاغوتی این رژیم را برملا ساخته و خواستار نظام اسلامی هستید و راه عدل اسلامی به رهبری آیت‌الله خمینی را پیشه ساخته‌اید، متشکریم. شماها از حیل‌ها و نقشه‌های رژیم پهلوی آگاه [شوید] و آنها را بی‌اثر سازید و بی‌اعتمادی خویش را نسبت دستگاه جبار نشان دهید و نیز به دستگاه‌ها هشدار می‌دهیم در فکر پیدا کردن دسته‌ای برای خرابکاری و غارت در شهرهای استان ایلام نباشند و افراد پلیس را با لباس محلی به خیابان‌ها نکشانند، چون ما هم متقابلاً به مقابله برخاسته و آنها را به سزای اعمالشان خواهیم رساند. کاوسی مقدم - ۲/۱۰/۵۷ (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۰: ۲۹۷/۴۳).

آیت‌الله مروارید در سنین جوانی از طریق ایلام برای زیارت کربلا رهسپار شد و پس از زیارت در بازگشت به ایلام، با توجه به احساس نیاز این منطقه به مسائل مذهبی، دینی و فرهنگی، در ایلام مستقر شد و به تبلیغ پرداخت. ایشان در ایلام ازدواج کرد و در این شهر ساکن گردید. شیخ مروارید در سال ۱۳۲۸، سنگ بنای مسجد جامع شهر ایلام را نهاد و خود شخصاً به‌عنوان بنا در ساختن این مسجد مشارکت کرد. او تا سال ۱۳۴۱ به تبلیغ مسائل دینی و مذهبی در ایلام پرداخت. هم‌زمان با مخالفت امام خمینی با انجمن‌های ایالتی و ولایتی به پشتیبانی از امام طوماری از مردم ایلام در مخالفت با این قضیه جمع‌آوری و به امضای تعدادی از اعضای انجمن شهر ایلام رسانید و به قم و تهران مخابره کرد و از امام پشتیبانی نمود. پس از این تلگرام وی به شهربانی احضار شد و تحت تعقیب قرار گرفت. شیخ مروارید در جریان قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، به پشتیبانی از امام تظاهراتی را در ایلام هدایت کرد و آنگاه به مدت بیش از پنجاه روز دستگیر و در کرمانشاه زندانی شد. مبارزات سیاسی آیت‌الله مروارید با پهلوی دوم تا پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ادامه یافت. شیخ مروارید در واقع یک روحانی بسیار شجاع، دیندار و علاقه‌مند به ائمه اطهار به‌ویژه حضرت علی(ع) بود. وی اولین روحانی سیاسی مخالف رژیم پهلوی در ایلام بود و چندین بار توسط مأموران دولت پهلوی دوم زندانی و تحت تعقیب قرار گرفت. وی مرکزی برای تبلیغ و فعالیت‌های دینی، مذهبی و روضه‌خوانی قرار داد و در راستای مراسم‌های مذهبی، خود شخصاً با بنایی، کارگری، گاوداری و مغازه‌داری هزینه مراسم‌ها را پرداخت می‌کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شیخ مروارید شغل دولتی نپذیرفت و مدتی نماینده امام خمینی در جهاد سازندگی ایلام بود و در این مسئولیت هرگز حقوق ماهیانه دریافت نکرد. او بعدها به‌عنوان منتخب مردم به مجلس خبرگان رهبری راه یافت. مهم‌ترین ویژگی برجسته این روحانی شجاعت و عدم وابستگی به مشاغل دولتی و مهم‌تر از همه مردم‌داری بود. وی در جریان حمله عراق به ایران بدون ظاهرسازی، به جمع‌آوری کمک‌های مردمی و نیروهای عشایری برای دفاع از مرزها پرداخت و مخلصانه در جهت کمک به مردم تلاش کرد (اکبری، ۱۳۹۱: ۱۳۹-۹۵).

۸- زندگی نامه آیت الله عبدالرحمن حیدری ایلامی و مبارزات او

آیت الله عبدالرحمان حیدری ایلامی در ۱۳۰۴ ش در ایلام و در یک خانواده مذهبی چشم به جهان گشود. وی پس از تحصیلات دوران ابتدایی و آشنایی با علوم اسلامی در ایلام، در حدود ۲۱ سالگی برای کامل کردن تحصیلات علوم دینی به عراق رفت و در حوزه‌های علمیه کربلا و نجف به تحصیل پرداخت. او از بنیان‌گذاران مدرسه علمیه باقریه در ایلام است. در جریان پیروزی انقلاب اسلامی آیت الله حیدری از روحانیون محوری استان ایلام در هدایت و رهبری مردم برای مبارزه با رژیم پهلوی بود. با آغاز نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی، آیت الله حیدری از هر فرصتی برای آشنا ساختن قشرهای مختلف مردم با اندیشه‌های امام خمینی و اسلام بهره می‌برد. به همین دلیل، با درپیش گرفتن روش پدران و گفت‌وگوی محرمانه با کارمندان دولت و نیروی نظامی و انتظامی، مبادرت به تشکیل هسته‌های مقاومت نمود. هم‌زمان با آن نیز، برای ارباب سودجویان و ضدانقلاب و بسترسازی برای تشکیل دادگاه عدل اسلامی، حدود الهی را در برابر دیدگان مردم اجرا می‌کرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، تهران: ۱۳۷۸: ۶/۴۱).

در مراسم چهارم شهدای قیام مردم شهرهای یزد، جهرم و اهواز در بیست و شش نقاط ایران، مردم ضمن برگزاری عزاداری برای شهدا به تظاهرات پرداختند. بنابراین در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۷ در اکثر شهرهای ایران مراسم عزاداری برای شهدای شهرهای مذکور برپا شد. عده‌ای از مردم شهر ایلام هم اقدام به برگزاری عزاداری نمودند. در این روز حدود ۲۰ درصد از مغازه‌های سطح شهر ایلام تعطیل شد و در ساعت ۱۷ مجلس یادبودی در منزل یکی از روحانیون شهر ایلام با حضور حدود صد نفر تشکیل شد. در همان شب ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۷ تعدادی اعلامیه دست‌نوشته در خیابان‌های شهر ایلام توسط انقلابیون پخش گردید. در اعلامیه‌هایی که در سطح خیابان‌های شهر ایلام پخش گردید به مقامات عالی رژیم پهلوی اهانت شده و از امام خمینی و شهدای شهرهای مذکور قدردانی گردیده بود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۵/۳۲۱-۳۲۰). از این تاریخ به بعد حضور مردم ایلام در اعتراض و مخالفت با رژیم پهلوی روزبه‌روز بیشتر می‌شد.

۸-۱- آیت‌الله حیدری در همکاری با دانشجویان و دانش‌آموزان

در تاریخ ۸ خرداد ۱۳۵۷ با حضور اصغر افراسیابی استاندار ایلام، سرتیپ اسعد دهقان رئیس ساواک استان ایلام و سرگرد ابراهیم صنایعی فرمانده هنگ ژاندارمری استان ایلام جلسه شورای هماهنگی استان ایلام در خصوص حرکت‌های انقلابیون و تظاهرات شهر ایلام برگزار شد. در این جلسه در مورد روحانیونی که نوار سخنرانی روحانیون مخالف دولت را پخش کرده‌اند، اظهار نظر شد و همچنین آنان در مورد نیروهای مذهبی و کمونیستی انقلابی در سطح استان ایلام و در مورد اسامی دانشجویان و دانش‌آموزان مذهبی و کمونیستی و نقش آنان در خصوص پخش اعلامیه‌ها و حرکت‌های انقلابی به بحث پرداختند و اوضاع را بررسی نمودند. در ضمن در پیوست صورت‌جلسه خود اسامی افراد زیر به‌عنوان نیروهای مذهبی که فعالیت انقلابی داشته‌اند را آورده‌اند. بر اساس صورت‌جلسه مذکور اسامی افراد انقلابی مذهبی بدین شرح بود: محمد صادقی دانش‌آموز اهل ایوان، غلامرضا رستمی دانش‌آموز ساکن ایوان، عبدالله نادری دانش‌آموز ساکن ایلام، عبدالکریم چاوشی‌زاده دانشجوی دانشکده دامپروری ایلام، علی یگانه دانشجوی دانشکده دامپروری ایلام، سهام‌الدین خدامرادی ساکن ایلام، حجت‌الله الموسوی، مجید تنهایی دانش‌آموز و موسی همتی کارمند اداره ثبت اسناد مهران. همچنین اسامی روحانیون و اشخاصی که از موقعیت و نفوذ روحانیت خود در ایلام استفاده نموده و با آیات و روحانیون تراز اول ساکن شهرستان‌ها در ارتباط بوده‌اند و با الهام از آنان بیشتر جوانان را تحت نفوذ خود قرار داده و برای پیشبرد مقاصد مذهبی از آنان استفاده نموده‌اند به شرح ذیل آمده است:

- ۱- شیخ عبدالرحمان حیدری فرزند باباخان که پیش‌نماز مسجد جامع ایلام است.
- ۲- شیخ محمدتقی مروارید روحانی و کاسب. همچنین در این گزارش از تعداد دیگری از انقلابیون ایلام به شرح ذیل نام‌برده شده است: ۱- حاج علی محمد مؤمنی فرزند رحیم که کاسب بوده است؛ ۲- بنیان شیرخانی کاسب؛ ۳- علیداد رحیمی پور کاسب؛ ۴- حاج عبدالحسین [عبدالحسن] تعمیرکاری بیکار (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۶/۱۲۹-۱۲۷). در این گزارش از اسامی سه تن از روحانیون شهر ایلام به نام‌های آیت‌الله حیدری، شیخ محمدتقی مروارید و حاج عبدالحسین [عبدالحسن] تعمیرکاری نام برده شده

است که نقش مهمی در تنویر افکار انقلابیون داشته‌اند و با استفاده از موقعیت اجتماعی و نفوذ معنوی خود توانسته بودند شمار زیادی از انقلابیون را دور هم جمع نموده و رهبری آنان را برعهده بگیرند.

اداره ساواک ایلام در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ گزارش مفصلی در خصوص فعالیت‌های سیاسی - مذهبی مردم ایلام به رهبری آیت‌الله حیدری را به مقامات عالی کشور اعلام کرده است. متن آن گزارش به شرح زیر است: «محرماً مقام عالی را آگاه می‌سازیم: مسجد جامع ایلام قریب دو سال است محل اجتماع عده‌ای از ریش سفیدان شهر که در انتخابات مجلس شورای ملی گذشته شکست خورده‌اند گردیده و این عده به عنوان هیئت امناء به تدریج مسجد را به نحو دلخواه سوق داده و با اعمال غیرمحموس هدف خود را که جلب عده‌ای از اشخاص شکل یافته برای نفوذ بیشتر بود دنبال می‌نمودند و در چهارماه اخیر که عده‌ای دانشجوی اخلاک‌گر و جوانان کنجکاو شهر به آنان اضافه گردیدند برای اینکه مدیریت خود را از دست ندهند تعداد زیادی جوانان و نوجوانان فامیل خود را به آنان اضافه و با عوام‌فریبی سعی می‌نمایند که این عده را در دست خود نگه‌دارند و چون خود دارای معتقدات عمیق و خالصانه نمی‌باشند سعی می‌کنند با نان به نرخ روز خوردن و ایجاد امکانات برای خوشحال کردن جوانان جویای نام، آنان را از طریق حقیقی مذهب منحرف و همی‌شه یک کانون تحریک‌کننده و اغتشاش در اختیار داشته باشند. بنابراین، کروکی تقریبی مسجد و محل قرار گرفتن آن روی نقشه شهر و اعمال هیئت امناء و کسان دیگری که هر یک به نحوی سردمداری و تبانی دارند به عرض می‌رسد. ضمناً به استحضار می‌رساند که خوشبختانه نامبردگان زیر با امضاء شکایاتی واهی خود را به شهربانی شناسانده و در نواریهایی که آقای شیخ عبدالرحمن حیدری پیش‌نماز مسجد که نسبت به سایر معممین شهر نفوذ کلام دارد شخصاً اظهار نموده کاملاً علیه شهربانی استان که احساس می‌کند مانع مستقیم و درپی کشف اسرار این کانون می‌باشد سخنرانی و صورت اسامی متنفذین و افرادی که (۴۶ نفر [ند]) در اختیار او می‌باشند در دفتر جیبی و نواریها از فرزند شیخ عبدالرحمن به وسیله ژاندارمری کشف و در ساواک تحت بررسی است، که سعی خواهد شد از نواریها و نوشته‌های دفترچه یک نسخه تهیه و تقدیم شود، این مسئله موردبررسی تمام اعضاء شورای هماهنگی می‌باشد. برای پیشرفت اعمال و جلوگیری از

کارهای برخلاف آنان در شورای تأمین امنیت بررسی‌های لازم قبل از شروع ماه رمضان انجام خواهد شد. شیخ عبدالرحمن حیدری فرزند باباخان متولد ایلام که سی سال در عراق ساکن و جزو معادان به ایران بازگردانیده شده، فردی است در بین عوام نسبتاً دارای حُسن شهرت که در جریان اخیر تا حدودی نظر اشخاص نسبت با او تغییر کرده است. نامبرده طلبه‌خانه‌ای به نام مدرسه باقریه در جنب منزل خود اداره می‌نماید که وجود آن مدرسه نیز خود موجب نگرانی در آینده است. چون می‌تواند در کلاس‌های آزاد قرآن مجید و کلاس‌های رسمی طلبه‌خانه عده‌ای نوجوان و جوان متعصب برای اخلال آینده تربیت شود» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹: ۷/ ۲۲۳-۲۱۹).

پس از مذاکره آیت‌الله حیدری با آیت‌الله شریعتمداری در خصوص برپایی تظاهرات در ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ در شهر ایلام و دریافت جواب منفی از سوی آیت‌الله شریعتمداری، با هدایت و رهبری روحانیون شهر ایلام از جمله آیت‌الله حیدری، حاج شیخ محمدتقی مروارید، حاج شیخ عباس سلطانی و حاج شیخ عبدالحسن تعمیرکاری به بهانه‌ی اعتراض به رژیم پهلوی، بازاریان ایلامی مغازه‌های خود را در روز ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ تعطیل کردند و بدین صورت اعتراض و انزجار خود را نسبت به رژیم پهلوی نشان دادند و به اعتراضات ضد دولتی رژیم پهلوی ادامه دادند. گزارش مختصر ساواک از تعطیلی بازار ایلام در ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ ه.ش چنین است: «در ایلام به استثنای مغازه‌های فروشنده مواد غذایی و داروخانه‌ها، سایر مغازه‌ها در روز ۱۵/۳/۵۷ تعطیل بوده است» (انقلاب اسلامی به روایت ساواک، ۱۳۷۸: ۶/ ۲۶۴).

۸-۲- آیت‌الله حیدری و تظاهرات بعد از نماز عید فطر ۱۳۵۷

گزارشی دیگر از شهربانی ایلام درباره جریان تظاهرات مردم ایلام پس از مراسم نماز عید فطر در ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ بدین شرح است:

شماره: ۵-۵۱

«از شهربانی استان ایلام

تاریخ: ۱۳۵۷/۶/۱۳

به: ریاست سازمان اطلاعات و امنیت ایلام

ساعت ۰۸:۴۵ روز جاری ۱۳۵۷/۶/۱۳ بعد از پایان نماز عید فطر جمعیتی در حدود هزار نفر از بین شرکت کنندگان مسجد جامع خارج و از مسیر خیابان عبداللهی و خیام برای حمله به مؤسسات دولتی حرکت نمودند و در میدان شاهرضا به مأمورین مستقر که برای حفاظت تأسیسات دولتی گمارده شده بودند با سنگ و چوب حمله‌ور، در این اثناء مأمورین آنان را به عقب رانده در چهارراه عبداللهی عده‌ای روی پشت‌بام‌های خیابان خیام و عبداللهی قبلاً آماده شده بودند مأمورین را سنگ‌باران و سه تن از فرزندان حاج سهراب عبداللهی که یکی به نام یاسین شعار ضد کد ۶۶ [شاه] می‌داد و دیگران را وادار به تکرار می‌نمود و دو نفر برادرانش [اکرم و محمدنبی] با اسلحه تفنگ چهار پاره یا برنو که کاملاً بدنه لندروور حامل مأمورین سوراخ، دو نفر از مأمورین به نام‌های کارآموز حشمت‌اله پورنظربییگی و پاسبان موسی ابراهیمی شهید و سه نفر پاسبان به اسامی رحم خدا رحمتی - قیصر ناصری [و] محمد مرشدی به ضرب گلوله زخمی و یک نفر از گروه مقابل به ضرب گلوله مجروح گردیده است که مجروحین کلاً به بیمارستان اعزام و بستری و تحت معالجه و مداوا قرار گرفته‌اند. ضمناً شورای تأمین استان تشکیل چون خیابان‌های عبداللهی و خیام برای اقدامات شورش بعدی وسیله سنگ و چوب و سایر وسایل بسته شده و اشرار مسلح می‌باشند وضعیت قرمز اعلام و تقاضای مداخله واحد نظامی مستقر در ژاندارمری با همگامی شهربانی برای پاک‌سازی گردیده است نتیجه متعاقباً به استحضار خواهد رسید. رئیس شهربانی استان ایلام سرهنگ محمدرضا امین طاهری

گیرندگان - جناب آقای استاندار ایلام

فرماندهی هنگ ژاندارمری استان ایلام

گروهان اعزامی تیپ شاه‌آباد غرب

اصل در پرونده ۵ - ۵۱ می‌باشد» (سند شماره ۶).

بر اساس گزارش خبرنگار روزنامه‌ی اطلاعات، روز دوشنبه ۲۴ مهرماه ۱۳۵۷ ه.ش، ساعت ۱۰ صبح از سوی مردم شهر ایلام تظاهرات گسترده‌ای در خیابان‌های ایلام برپا شد. در این تظاهرات بیش از دو هزار نفر درحالی که شعار می‌دادند، در خیابان‌ها به راه افتادند و دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان درحالی که شعارهایی چون: «زنده و جاوید باد خون شهیدان

ما، ارتش برادر ماست و زنده باد حکومت اسلامی» سر می دادند، به راهپیمایی پرداختند و مأموران انتظامی از دور مراقب اوضاع بودند و بین مأموران و تظاهرکنندگان برخوردی به وجود نیامد (اطلاعات، سه‌شنبه ۱۳۵۷/۷/۲۵، شماره ۱۵۷۳۵: ۲). این تظاهرات با دعوت آیت‌الله حیدری ایلامی و شیخ سلطانی صورت گرفت، لذا مردم با حضور پررنگ و گسترده خود در این تظاهرات، ضمن لبیک به دعوت آیت‌الله حیدری و شیخ سلطانی خشم و اعتراض خود را به رژیم منحوط شاهنشاهی پهلوی نشان دادند. از نکات قابل توجه در این تظاهرات این است که برخوردی بین انقلابیون و شهربانی به وجود نیامد و برای اولین بار شعار برپایی حکومت اسلامی به صورت رسمی و علنی در یک تظاهرات دوهزار نفری سر داده شد و مردم مأموران دولت را به وحدت و برادری فراخوانده‌اند که بدون شک در عدم درگیری بین انقلابیون و شهربانی بسیار مؤثر بوده است. در این تظاهرات مردم خواستار الحاق نظامیان به صفوف انقلابیون بوده‌اند. گزارش ساواک ایلام درباره تظاهرات مذکور بدین شرح است: «در ساعت ۱۷:۰۰ روز ۵۷/۷/۲۴ حدود پانصد نفر که اکثریت آنان جوانان و تعدادی زن چادری در میان آنها مشاهده می‌شد و شیخ عبدالرحمن حیدری و شیخ عباس سلطانی در جلوی آنها قرار داشتند، از مسجد جامع حرکت و بعد تعداد آنها به ۱۵۰۰ نفر افزایش و حدود یک کیلومتر و نیم در مسیر خیابان‌های سعدی، فردوسی، بلوار [بلوار امام خمینی (ره) کنونی] و خیام راهپیمایی و در ساعت ۱۸:۱۵ به مسجد مراجعت و در ساعت ۱۹:۳۰ پس از سخنرانی شیخ حیدری متفرق گردید[ند]. خواسته‌های این جمعیت که تظاهرات آرامی داشتند و با پلیس درگیر ننمودند، بازگشت خمینی به کشور، خروج سربازان ضد اغتشاش تیپ زرهی شاه‌آباد از خیابان‌ها، تعویض دولت و آزادی زندانیان سیاسی من جمله شیخ محمدتقی مروارید و شیخ جهانبخش [=محمد] تعمیرکاری از ایلام بود که به ترتیب در کمیته مشترک زندانی و دومی در شهر ایذه تبعید می‌باشد. دنیایی» (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۰: ۴۳/۲۸۴).

در پی تظاهرات روز پنج‌شنبه چهارم آبان‌ماه ۱۳۵۷ مردم ایلام که از ساعت ۸ صبح تا پاسی از شب ادامه داشت، در روز جمعه ۵ آبان ۱۳۵۷ نیز تظاهرات وسیعی در این شهر روی داد. تظاهرکنندگان با آتش‌زدن هیزم و لاستیک، خیابان‌ها را بستند و به راهپیمایی پرداختند. در

جریان تظاهرات، گروهی با بیل و کلنگ ساختمان قدیم اداره‌ی آبیاری ایلام را که به یکی از افراد پلیس تعلق دارد با خاک یکسان کردند و شیشه‌های اداره آمار و سازمان تعاون این شهر را شکستند. این تظاهرات چندبار با پخش گاز اشک‌آور از سوی پلیس درهم شکست و مجدداً پا گرفت. روحانیون ایلام با صدور اعلامیه‌ای به مناسبت همدردی با شهدای همدان و پشتیبانی از قطعنامه‌ی فرهنگیان، که در روز شنبه ۶ آبان ۱۳۵۷ شد، روز شنبه را تعطیل عمومی اعلام کردند (روزنامه اطلاعات، شنبه ۱۳۵۷/۸/۶، شماره ۱۵۷۴۴: ۱۷).

با درگذشت یکی از روحانیون شهر ایلام به نام سید محمد موسوی، امام جماعت تکیه موسوی ایلام، در تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۵۷ تظاهرات دوهزارنفره‌ای به رهبری آیت‌الله حیدری و آیت‌الله مروارید در جریان تشییع جنازه آن روحانی شکل گرفت که با سردادن شعارهای ضد دولتی شروع شد و منجر به حمله به مجسمه رضا شاه پهلوی و زخمی شدن یک تن از مأموران دولتی و دستگیری آیت‌الله مروارید گردید. متن کامل گزارش ساواک از تظاهرات این روز بدین شرح است: «از ساعت ۱۵:۰۰ روز ۵۷/۹/۸ (۲۵۳۷ شاهنشاهی)، عده‌ای حدود ۲۰۰۰ هزار نفر به سرپرستی شیخ عبدالرحمن حیدری و شیخ محمدتقی مروارید دو تن از روحانیون افراطی به مناسبت فوت یک نفر از روحانیون شهر ایلام به طرف غسالخانه شهر حرکت و حین عبور از مقابل ساختمان‌های سازمان اطلاعات و امنیت ایلام و گروهان اعزامی از تیپ شاه‌آباد غرب مبادرت به دادن شعارهای ضدملی نموده‌اند. افراد مذکور در میدان شهر ایلام، قصد حمله به پیکره اعلیحضرت رضا شاه کبیر را داشته‌اند که با مقابله و شلیک هوایی مأمورین انتظامی روبه‌رو گردیده‌اند. در اثر اصابت گلوله آشوبگران به یک نفر از سربازان وظیفه جمعی ژاندارمری، نامبرده از ناحیه کمر مجروح شده که جهت درمان به بیمارستان اعزام گردیده است. تظاهرکنندگان در ساعت ۱۸:۳۰ با دخالت مأمورین انتظامی به تدریج متفرق شده‌اند. ارزیابی خبر: خبر صحت دارد. اقدامات انجام شده: مراتب به نخست‌وزیری اعلام گردیده است. به دنبال تظاهرات فوق، شیخ محمدتقی مروارید که محرک اصلی تظاهرات شناخته شده، بازداشت و جهت تحقیقات لازم به تهران اعزام گردیده است» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۱۷/۴۴۷).

در تاریخ دوم دی ۱۳۵۷ ساواک ایلام طی نامه‌ای به ساواک مهران، به شماره ۷۵۶۷/۵ در مورد اعلامیه‌ی روحانیت ایلام، گزارشی بدین شرح داده است: «اعلامیه‌ای دست‌نویس به امضاء حقیقی و عازم مخالف رژیم ایلام به نام عبدالرحمن حیدری، محمدتقی مروارید، عباس سلطانی، محمد تعمیرکاری و حسن الهی که در آن خطاب به اهالی استان ایلام و پشتکوه تهیه و پخش شده است، خلاصه آن به شرح زیر می‌باشد: «مردم مسلمان و مبارز ایلام و پشتکوه، درود خداوند بر شما که اتحاد و یکپارچگی خود را با تمام مصائب ثابت کرده و آلت دست دستگاه‌های ظلم و فساد نشده و پیوند ناگسستنی خود را با نهضت اسلامی مراجع عالی‌قدر تشیع و روحانیت ایلام به اثبات رسانیدید. ما ضمن تشکر و قدردانی از شما مردم بیداردل در شهر و قصبات [که] جنایات و اعمال وحشیانه حکومت طاغوتی این رژیم را برملا ساخته و خواستار نظام اسلامی هستید و راه عدل اسلامی به رهبری آیت‌الله خمینی را پیشه ساخته‌اید، متشکریم. شماها از حيله‌ها و نقشه‌های رژیم پهلوی آگاه [شوید] و آنها را بی‌اثر سازید و بی‌اعتمادی خویش را نسبت د ستگاه جبار نشان دهید و نیز به د ستگاه‌ها هشدار می‌دهیم در فکر پیدا کردن دسته‌ای برای خرابکاری و غارت در شهرهای استان ایلام نباشند و افراد پلیس را با لباس محلی به خیابان‌ها نکشاند، چون ما هم متقابلاً به مقابله برخاسته و آنها را بسزای اعمال‌شان خواهیم رساند» کاو سی مقدم - ۵۷/۱۰/۲ (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۰: ۴۳/۲۹۷).

بر اساس گزارش روزنامه اطلاعات روز یکشنبه ۱۷ دی ۱۳۵۷ / ۷ ژانویه ۱۹۷۹ از دو ماه پیش تا این تاریخ کنترل شهر ایلام به دست مردم شهر افتاده بود. این روزنامه اعلام کرد، در حال حاضر از ساعت ۸ عصر تا بامداد روز بعد گروه‌هایی از جوانان نگهبانی و حفاظت شهر را به عهده گرفتند (اطلاعات، شماره‌ی ۱۵۷۵۳، ۱۳۵۷: ۴). با برر سی روزنامه‌های این روز و با توجه به انتشار اخبار شهرستان‌ها در مورد چگونگی تظاهرات در شهرهای مختلف، می‌توان نتیجه گرفت یکی از اولین شهرهایی که کنترل آن از اواسط آبان‌ماه ۱۳۵۷ به دست انقلابیون افتاده است، شهر ایلام بوده است؛ زیرا گزارش روزنامه اطلاعات مؤید این موضوع می‌باشد. در جریان کنترل شهر ایلام که توسط جوانان ایلامی انجام گرفت، رهبری و هدایت و چگونگی اداره این شهر و حراست از جان و مال مردم برعهده روحانیون این شهر از جمله

آیت‌الله حیدری، شیخ مروارید و شیخ محمد تعمیرکاری بود. آنان جوانان انقلابی را تشویق به ادامه مبارزه و حراست از شهر می‌کردند.

در سالگرد قیام ۱۹ دی‌ماه ۱۳۵۶ که در قم در اعتراض به مقاله توهین‌آمیز رژیم پهلوی به امام خمینی صورت گرفت، مردم انقلابی شهر ایلام و تعداد زیادی از مردم سایر شهرهای استان که به این شهر آمده بودند در روز سه‌شنبه ۱۹ دی‌ماه ۱۳۵۷ / ۹ ژانویه ۱۹۷۹ تظاهرات شصت‌هزارنفری ایلام به رهبری آیت‌الله حیدری و سایر روحانیون شهر به راه انداختند. این تظاهرات به مدت شش ساعت ادامه یافت و در ساعت یک بعدازظهر درحالی‌که آیت‌الله حیدری و سایر روحانیون شهر در پیشاپیش مردم حرکت می‌کردند، خیابان فردوسی، بلوار و میدان (امام خمینی (ره)) و همچنین خیابان‌های سعدی و شریعتی را پیمودند و وارد مسجد جامع شهر ایلام شدند و به اقامه‌ی نماز پرداختند و روحانیون با ایراد سخنرانی مردم را به ادامه مبارزه تا پیروزی نهایی تشویق و ترغیب نمودند (اطلاعات، شماره‌ی ۱۵۷۵۵، ۱۳۵۶: ۴). در روز دوشنبه ۱۶ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ به دعوت روحانیون ایلامی، سی‌هزاری نفر در شهر ایلام جمع شدند و دست به راهپیمایی زدند. تظاهرکنندگان علیه رژیم پهلوی و دولت بختیار شعار دادند و در راستای صدور بیانیه‌ی تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۷ خواستار براندازی و برکناری دولت بختیار شدند (اطلاعات، شماره ۱۵۷۷۸، ۱۳۵۷: ۳). در روز سه‌شنبه ۱۷ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ ه.ش هزاران نفر از مردم - شهری، روستایی و عشایری - ایلام ضمن راهپیمایی، پشتیبانی خود را از دولت موقت مهندس مهدی بازرگان اعلام کردند. در همین روز در سراسر ایران مردم به حمایت از دولت موقت دست به راهپیمایی زدند (اطلاعات، ۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۷۹: ۳). در همین روز مردم مهران هم به حمایت از امام خمینی و دولت مهندس بازرگان دست به تظاهرات زدند (اطلاعات، ۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۸۳: ۶). در این روزها در تمام شهرستان‌های استان ایلام به‌خصوص در مهران تظاهرات برپا شد. از حوادث مهم این روزها در ایلام آن بود که جوانان انقلابی ایلامی و به‌خصوص جوانان محله‌ی خیابان صفاری با استفاده از میله‌های اطراف بلوار امام، اقدام به بستن این بلوار نمودند. آنان با موتور جوش، میله‌ها را به ارتفاع سه متر به هم جوش زدند و خیابان را بستند تا شهربانی به انقلابیون منطقه خیام و میدان شهدا حمله نکنند.

در روزهای پنج‌شنبه و جمعه ۱۹ و ۲۰ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ میلیون‌ها نفر از مردم شهرستان‌ها به حمایت از دولت موقت و به پشتیبانی از امام خمینی دست به راهپیمایی زدند. در تهران نبردهای شدید خونینی بین نیروی گارد شاهنشاهی و مردم تهران روی داد تا رژیم پهلوی و دولت بختیار را برای همیشه ساقط کنند. در روز ۱۹ بهمن پرسنل نیروی هوایی به جمع مردم پیوستند و ارتش نیز در روز ۲۱ بهمن به انقلابیون پیوست. در روزهای مذکور مردم شهر ایلام همگام با سایر مردم سرا سر کشور از دولت موقت و قانونی، که به فرمان امام خمینی تشکیل شده بود، حمایت کردند و دست به راهپیمایی گسترده‌ای زدند (اطلاعات، ۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۸۱). جوانان انقلابی ایلام در روز ۱۹ بهمن با تشکیل تظاهراتی علیه دولت از میدان شهدا به سمت میدان رضاشاه (امام خمینی فعلی) به حرکت درآمدند و مجسمه رضاشاه را به پایین کشیدند. این عمل با فریادهای مرگ بر شاه مردم، حمایت و تأیید شد. جوانانی همچون احمد برازنده و رمضان محمدی و چند تن دیگر زنجیر به دور گردن مجسمه بستند و به وسیله یک کامیون آن را به پایین کشیدند. در این جریان مأموران شهربانی به سمت مردم تیراندازی کردند و تعدادی از انقلابیون را مجروح کردند. در روز ۲۱ بهمن جوانان انقلابی ایلام با حمایت مردم و روحانیان، ستاد فرماندهی ژاندارمری را به تصرف درآوردند و با به دست آوردن سلاح‌های این ستاد مسلح شدند. در همین روز مجسمه محمدرضا شاه در میدان ۶ بهمن (۲۲ بهمن فعلی) با همکاری پرسنل ژاندارمری که به مردم پیوسته بودند، به پایین کشیده شد. همچنین ساختمان ساواک ایلام توسط جوانان انقلابی تصرف شد و زندانیان سیاسی را آزاد کردند. اسناد زیادی از ساواک در مرکز به دست مردم افتاد.

۹- زندگی‌نامه حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ عباس سلطانی «معروف به خادم‌الشهدا» و مبارزات او

حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ عباسعلی سلطانی مشهور به «شیخ عباس سلطانی» در سوم خرداد ۱۳۲۲ در روستای شم‌آباد از توابع سبزوار استان خراسان - که بعدها به دلیل کثرت تقدیم شهدا در دفاع مقدس معروف به «شهیدآباد» گردید و روستای نمونه اعلام شد - در

خانواده‌ای متدین و کشاورز به دنیا آمد. به عشق مولا امیرالمؤمنین (ع) و فرزندش قمر بنی‌هاشم، عباسعلی نام نهادند. ایشان در دوازده‌سالگی برای تحصیل علوم دینی به مشهد رفت و در سال ۱۳۴۱ راهی حوزه علمیه قم شد. حضور او در قم مصادف با آغاز نهضت امام خمینی شد. با تقلید از امام از چشمه‌سار معنوی روح‌الله، روح جهاد و انقلاب در او دمیدن گرفت و او برای رساندن اعلامیه‌ها و پیام‌های حضرت امام به مردم سر از پا نمی‌شناخت و بدون هیچ‌گونه هراسی از رژیم سقاک شاه، به سفرهای به‌ظاهر تبلیغی و در واقع به‌منظور نشر و تحقق منویات حضرت امام خمینی می‌پرداخت. در دهه چهل به شهرستان سنقر و سپس کرمانشاه و در نهایت به ایلام مهاجرت‌هایی داشت و به دلیل صداقتی که در مردم ایلام مشاهده کرد، وظیفه خود دانست که شیعیان خالص و باصفا و مهمان‌نواز این منطقه را با احکام دین و آداب اسلامی آگاه گردانند. حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ عباسعلی سلطانی، با اوج‌گیری مبارزات مردم ایران، از سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و شدت گرفتن تظاهرات مردم علیه رژیم پهلوی، نقش محوری خود را در استان ایلام برای انسجام‌بخشیدن به حرکت‌های مردمی ایفا نمود؛ به گونه‌ای که وی به‌عنوان یکی از روحانیون توانمند برای مرحوم آیت‌الله حیدری در اداره و رهبری در استان ایلام شناخته شد. او به دلیل آنکه تمام وقت خود را برای خدمت به خانواده‌های شهدا و جانبازان صرف کرد به «خادم‌الشهدا» معروف شد (قاسمی، ۱۴۰۰: ۳۹-۱۷).

بر اساس گزارش خبرنگار روزنامه‌ی اطلاعات در روز دو شنبه ۲۴ مهرماه ۱۳۵۷ ساعت ۱۰ صبح از سوی مردم شهر ایلام تظاهرات گسترده‌ای در خیابان‌های ایلام برپا شد. در این تظاهرات بیش از دو هزار نفر درحالی که شعار می‌دادند، در خیابان‌ها به راه افتادند و دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان درحالی که شعارهایی چون: «زنده و جاوید باد خون شهیدان ما، ارتش برادر ماست و زنده‌باد حکومت اسلامی» سر می‌دادند، به راهپیمایی پرداختند و مأموران انتظامی از دور مراقب اوضاع بودند و بین مأموران و تظاهرکنندگان برخوردی به وجود نیامد (اطلاعات، ۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۳۵: ۲). این تظاهرات همان‌طور که ذکر شد با دعوت آیت‌الله حیدری ایلامی و حجت‌الاسلام والمسلمین سلطانی صورت گرفت، لذا مردم با

حضور پررنگ و گسترده خود در این تظاهرات، ضمن لبیک به دعوت آیت‌الله حیدری و حجت‌الاسلام‌والمسلمین سلطانی خشم و اعتراض خود را به رژیم منحوس شاهنشاهی پهلوی نشان دادند. از نکات قابل توجه در این تظاهرات این است که برخوردی بین انقلابیون و شهربانی به وجود نیامده و برای اولین بار شعار برپایی حکومت اسلامی به صورت رسمی و علنی در یک تظاهرات دوهزارنفری سر داده شده است و مردم مأموران دولت را به وحدت و برادری فراخوانده‌اند که بدون شک در عدم‌درگیری بین انقلابیون و شهربانی بسیار مؤثر بوده است. در این تظاهرات مردم خواستار الحاق نظامیان به صفوف انقلابیون بوده‌اند. به دنبال اعلامیه روحانیون ایلامی، همچون آیت‌الله حیدری، آیت‌الله مروارید و حجت‌الاسلام عباس سلطانی و اصناف شهر ایلام مبنی بر تعطیلی عمومی ایلام در روز شنبه ششم آبان ۱۳۵۷، ساعت ۷ صبح همان روز کلیه مغازه‌های این شهر تعطیل شد و به مناسبت هفتمین روز درگذشت شهدای همدان و پشتیبانی از قطعنامه فرهنگیان این استان، عزای عمومی اعلام شد. در همین روز در حدود ده هزار نفر از طبقات و اقشار مختلف استان ایلام در مسجد جامع این شهر و اطراف آن گرد آمدند. در ساعت ۱۱ صبح تظاهرکنندگان به منظور راهپیمایی آرام، از مسجد جامع این شهر خارج شدند و وارد خیابان فردوسی شدند ولی در انتهای این خیابان زدوخورده شدیدی بین مأموران و تظاهرکنندگان رخ داد و در نتیجه پانزده نفر از مردم تظاهرکننده و دو نفر از مأموران پلیس به شدت مجروح شدند (اطلاعات، ۱۳۵۸، شماره ۱۵۷۴۵: ۱۸). این تظاهرات از سوی روحانیان شهر ایلام از جمله آیت‌الله حیدری و آیت‌الله مروارید و حجت‌الاسلام عباس سلطانی طراحی و هدایت و رهبری شد و این گسترده‌ترین تظاهراتی بود که تا آن زمان در ایلام برگزار شده بود. حضور ده‌هزارنفری مردم ایلام که به احتمال زیاد از سایر شهرستان‌های استان به جمع تظاهرکنندگان ایلامی افزوده شده بودند، بیانگر نفوذ روحانیت ایلام در بین قشرهای مختلف ایلام ماست و پس از این تظاهرات، روزبه‌روز تعداد معترضان دولت در این استان بیشتر می‌شد.

۱۰- زندگی‌نامه حجت‌الاسلام‌والمسلمین حاج شیخ محمد تعمیرکاری و مبارزات او

او در تاریخ پنجم بهمن ۱۳۱۴ ش به دنیا آمد. پدرش حاج عبدالحسن او را جهانبخش نام گذاشت و وی با تغییر اسم خود به محمد تعمیرکاری شهرت یافت. با گذراندن تحصیلات ابتدایی در مدرسه دولتی شهر ایلام، پس از کسب موفقیت در این مقطع علاقه شگرفی به فراگیری علوم اسلامی و ادامه تحصیل در حوزه علمیه در او هویدا گردید. حجت‌الاسلام‌والمسلمین تعمیرکاری در ۲۲ سالگی به منظور تحصیل در علوم عقلی و نقلی اسلامی به حوزه علمیه قم رفت و در آنجا به تحصیل پرداخت. او دروس مقدماتی و سطوح اولیه را در مدارس حجتیه و فیضیه در محضر عالمانی چون ستوده، دوزدوزانی، خزعلی، فشارکی و ... آموخت و سپس در دروس خارج فقه و اصول در محضر علمای بزرگ و آیات عظام گلپایگانی، وحید خراسانی، مشکینی، فاضل لنکرانی، حسین نوری، مکارم شیرازی و آیت‌الله سبحانی استفاده‌های علمی برد و در زمینه اخلاق و عرفان از آیاتی چون سید حسین فاطمی قمی و بهاء‌الدینی کسب فیض نمود (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۰: ۴۳/۱۳؛ تعمیرکاری ۱۳۸۵: ۷-۳).

حجت‌الاسلام تعمیرکاری در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ که امام خمینی در شهر نجف در تبعید به سر می‌برد، با کمک مردم مهران موفق شد از مرز خارج شود و به زیارت عتبات عالیات برود و در آنجا با امام خمینی دیدار و ملاقات کند. وی پس از بازگشت از عتبات عالیات در شهر ایلام ساکن شد و به تبلیغ افکار امام خمینی پرداخت و با تربیت شاگردانی موفق شد علیه رژیم پهلوی شعارنویسی بکنند. با بررسی‌های مأموران دولتی در زمینه شعارنویسی علیه رژیم پهلوی، شیخ تعمیرکاری را متهم به مخالفت علیه رژیم پهلوی نمودند و کمیسیون امنیت اجتماعی شهر ایلام، در جلسه ۳۱ مرداد ۱۳۵۲، آن بزرگوار را به سه سال تبعید و اقامت اجباری در شهرستان بافت در استان کرمان محکوم کردند و با آنکه ایشان به این رأی اعتراض نمود ولی او را تبعید نمودند. ایشان در بافت و محل اقامتش دست از مبارزه با رژیم حاکم و بیدارسازی مردم برنداشت، لذا او را در ۲۴ دی‌ماه ۱۳۵۲ جزو وعاظ ممنوع‌المنبر اعلام کردند. پس از گذشت حدود شش ماه از صدور حکم تبعید آن بزرگوار، در اوایل اسفندماه ۱۳۵۲ دادگاه کرمان شاه حکم تبعید حجت‌الاسلام شیخ تعمیرکاری را لغو کرد، ولی اداره‌ی ساواک او را در ۲۶ اسفند ۱۳۵۲ در منزلش دستگیر و تحویل کمیته مشترک ضدخرابکاری

در تهران داد. او در زندان به شدت تحت شکنجه قرار گرفت. با آنکه آن بزرگوار در زندان بود ولی اداره ساواک نام او را در فهرست روحانیت ممنوع‌المنبر اعلام کرده بود. با تلاش و مساعدت خانواده حجت‌الاسلام‌والمسلمین تعمیرکاری، سرانجام در ۱۰ دی ۱۳۵۳ پس از حدود چهارده ماه تبعید و زندان و تحمل شکنجه، با قرار التزام عدم خروج از حوزه قضایی تهران به قید وجه التزام مبلغ یک‌صد هزار ریال تبدیل گردید و از زندان آزاد شد. او همچنان به فعالیت‌های سیاسی خود ادامه داده و با آنکه اداره ساواک ایلام چندین بار تحت فشار، ایشان را وادار به تعهد مبنی بر عدم مبارزه سیاسی نمود ولی او بیشترِ مواقع حاضر به تعهد نمی‌شد و به فعالیت‌های سیاسی و بیدار سازی مردم علیه نظام پهلوی ادامه داد. سخنرانی‌ها، فعالیت‌های سیاسی، مذهبی، فکری و فرهنگی این روحانی و الامقام و از خود گذشته، همچنان ادامه یافت تا جایی که ساواک مجبور شود اسم ایشان را در بین وعاظ و روحانیتی که در ماه‌های محرم و رمضان سال‌های ۱۳۵۴، ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ ممنوع‌المنبر شده بودند، بیاورد و رژیم همچنان از وجود این روحانی مبارز احساس خطر می‌کرد. حجت‌الاسلام‌والمسلمین تعمیرکاری در ادامه مبارزات سیاسی خویش در تاریخ ۲۹ آذرماه ۱۳۵۶ روی منبر حمله شدیدی به سیاست‌های آمریکا با ریاست جمهوری جیمی کارتر و محمدرضا پهلوی شاه ایران نمود. سیاست آمریکا و شاه آن بود که با ایجاد فضای باز سیاسی آرام از حرکت‌های انقلابیون جلوگیری کنند و مخالفان رژیم را به سکوت وادار کنند؛ اما شیخ تعمیرکاری با انتقاد شدید از این سیاست مزورانه و دروغ، آن را بی‌اساس دانست و چون ایشان سیستم برقی و بلندگوهایی یک سخنران را که به تمجید و تعریف شاه پرداخته بود، قطع کرد؛ بار دیگر مورد تعقیب مأموران شهربانی قرار گرفت و حکم دستگیری او را صادر شد (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۰: ۴۳/۱۸؛ تعمیرکاری ۱۳۸۵: ۱۰-۸).

پس از صدور حکم دستگیری حجت‌الاسلام‌والمسلمین تعمیرکاری، وی در تاریخ سی‌ام آذر ۱۳۵۶ توسط مأموران شهربانی دستگیر و به مسئولان اداره ساواک ایلام تحویل داده شد. در جریان دستگیری او و بازرسی منزلشان، تعدادی از کتاب‌های امام خمینی در منزل او کشف و ضبط گردید. وی پس از دستگیری به مدت دو سال به مشکین شهر تبعید گردید. او در مشکین شهر به مبارزه سیاسی خود ادامه داد و با ایراد سخنرانی و برگزاری مجالس عزاداری

برای ائمه اطهار و مداحی برای آنان موفق شد هواداران زیادی پیدا کند و با ارتباط با علما و روحانیون مشکین شهر (از توابع استان اردبیل کنونی) جایگاه ویژه‌ای را در منطقه به دست آورد؛ به طوری که یکی از شعرای مشکین شهر شعری در وصف شیخ ایلامی سروده است (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۰: ۱۹/۴۳). او بار دیگر در این شهر از هرگونه فعالیت سیاسی ممنوع شد؛ اما این شیخ از جان گذشته دست از مبارزه برنداشت.

به دلیل فعالیت‌های مستمر سیاسی حجت‌الاسلام والمسلمین تعمیرکاری و نقش او در بیدارسازی روحانیت، جوانان و مردم مشکین‌شهر برای مبارزه با رژیم پهلوی، کمیسیون امنیت اجتماعی استان ایلام بنا به درخواست شهربانی مشکین شهر پس از هفت ماه اقامت او در مشکین شهر او را در تابستان ۱۳۵۷ به شهر ایذه در خوزستان تبعید کرد (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۰: ۴۳/۱۸؛ تعمیرکاری ۱۳۸۵: ۱۳). پس از تبعید امام خمینی از عراق به فرانسه و شروع اعتصابات و اعتراضات به رژیم پهلوی و عمومی شدن شعله‌های انقلاب، در استان ایلام و به خصوص شهر ایلام چندین تظاهرات و اعتصاب فرهنگیان در مهرماه ۱۳۵۷ شکل گرفت، که در این تظاهرات و اعتراضات یکی از خواسته‌های مردم انقلابی ایلام آزادی زندانیان سیاسی و ازجمله آزادی و بازگشت محترمانه حجت‌الاسلام محمد تعمیرکاری بوده است. سرانجام با فشار مردم به مسئولان استان ایلام، در تاریخ پانزده آبان ماه ۱۳۵۷ حکم تبعید حجت‌الاسلام والمسلمین تعمیرکاری لغو شد و با احترام و استقبال مردم ایلام به زادگاه خود بازگشت. حجت‌الاسلام والمسلمین تعمیرکاری پس از ورود به ایلام در ادامه مبارزه سیاسی خود علیه رژیم پهلوی با همکاری و مساعدت چند تن از روحانیون متشخص و بانفوذ ایلامی هم چون آیت‌الله حیدری و آیت‌الله مروارید و حجت‌الاسلام والمسلمین سلطانی با بسیج، هدایت و فراخوانی جوانان و مردم انقلابی ایلام، انقلابیون ایلامی را رهبری نمودند و با برنامه‌ریزی‌های منطقی، الگوی قابل قبولی را برای نحوه مبارزه با رژیم پهلوی ارائه کردند. او مسجد جامع ایلام را پایگاه مبارزات خود قرار داد و تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ه. ش شب و روز به اقدامات ضد رژیم پهلوی ادامه داد (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۰: ۴۳/۲۸۶؛ تعمیرکاری ۱۳۸۵: ۲۹۵-۲۹۴).

در تاریخ ۲ دی ۱۳۵۷ ساواک ایلام طی نامه‌ای به ساواک مهران، به شماره ۷۵۶۷/ه در مورد اعلامیه‌ی روحانیت ایلام، گزارشی بدین شرح داده است: «اعلامیه‌ای دست‌نویس به امضاء حقیقی و عاظم مخالف رژیم ایلام به نام شیخ عبدالرحمن حیدری، شیخ محمدتقی مروارید، شیخ عباس سلطانی، شیخ محمد تعمیرکاری و حسن الهی که در آن خطاب به اهالی استان ایلام و پشتکوه تهیه و پخش شده است...» (تعمیرکاری ۱۳۸۵: ۲۹۷).

از ساعت ۱۴:۳۰ روز ۱۳۵۷/۱۰/۹ در حدود دو الی سه هزار نفر از مردم ایلام که در پیشاپیش آنان حجت‌الاسلام شیخ محمد تعمیرکاری حرکت می‌کرد، در نقاط مختلف شهر ایلام دست به تظاهرات زدند و شعار ضد رژیم سر می‌دادند. تظاهرکنندگان با نارنجک دست‌ساز به منازل سازمانی مأمورین انتظامی و ساواک حمله کردند. در این تظاهرات دو نفر جوان به نام‌های هادی سلیمانی و صادق پنج‌ستونی زخمی شدند. همچنین تظاهرکنندگان، بانک رهنی را آتش زدند و به منزل مطالبی رئیس امنیت داخلی حمله برده و اکثر اثاث موجود در آن را به غنیمت گرفته و سپس ساختمان مسکن و شهرسازی را آتش زدند و خسارت زیادی را به این ساختمان و وسایل آن وارد کردند. این تظاهرات تا نزدیکی صبح روز ۱۰ دی ۱۳۵۷ ادامه داشته است (تعمیرکاری، ۱۳۸۵: ۲۹۷).

نتیجه‌گیری

روحانیون همواره مورداحترام و جایگاه ویژه اجتماعی در نزد مردم ایلام بودند. در دوران انقلاب اسلامی گرایش سیاسی روحانیون در این دوره بیشتر موردتوجه قرار گرفت. روحانیون بومی و تبعیدی در این منطقه همانند محمدتقی مروارید، عبدالرحمان حیدری ایلامی، محمد تعمیرکاری و عباس سلطانی، هرکدام یا از شاگردان عبدالکریم حائری بودند و در حوزه قم درس خوانده بودند یا مثل آیت‌الله حیدری ایلامی در نجف اشرف در جلسات درس آیت‌الله خمینی شرکت کرده بودند. این روحانیون دو کار عمده را انجام دادند که در نهادینه کردن نهضت روحانیون ایران در ایلام تأثیر داشت. اولاً با برقراری پیوند با رهبری و همکاری مؤثر و صادقانه به ترویج نهضت اسلامی می‌پرداختند. ثانیاً با استفاده مؤثر از تریبون‌های مساجد و تکایا، مرکزی برای فرماندهی و سازمان‌دهی توده‌های مردم شهرنشین

فراهم کردند. با شروع مبارزه علنی در سال‌های ۵۶ و ۵۷ همکاری بین روحانیون و مردم بیشتر شد. در واقع شهریور ۵۷ اوج همکاری بین این دو گروه بود. در این روز مردم پس از اقامه نماز عید فطر دست به اعتراضات وسیعی زدند که دخالت مأمورین انتظامی و ساواک به خشونت گراییده شد و اسامی نخستین شهدای ایلام در تاریخ انقلاب ثبت شد. تداوم برگزاری تظاهرات و اعتراضات که منجر به دستگیری روحانیون و تبعید آنان منجر شد؛ اما در نهایت با تداوم همه‌روزه مردم در فعالیت‌های انقلابی و مقاومت مردم در تظاهرات هم‌زمان با سایر مناطق کشور، مردم نقش خود را در پیروزی انقلاب اسلامی به بهترین نحو نشان دادند. در اصل این نگرش همدلانه و همگرایانه با سایر مردم کشور باعث شد که حکومت پهلوی در این استان خیلی زودتر از ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ نفوذ خود را از دست بدهد.

کتابنامه

الف) اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ش (۴-۱): ۷۷۶۸ / ۳۲۰.

سند شخصی از آقای اکرم عبداللهی، ۱۳۹۰/۱۰/۲ ش.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۷، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۹.

انقلاب اسلامی ایران به روایت ساواک، ج ۱۷، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۴.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۵، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۶، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۷، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۹.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۱۲، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲.

۲۹۲ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۱۴، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۱۵، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات. ۱۳۸۴.

انقلاب اسلامی به روایت ساواک، جلد ۱۳، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۴.

یاران امام به روایت اسناد ساواک، عالم مبارز حجت‌الاسلام حاج شیخ محمد تعمیرکاری، ج ۴۳، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۰

مپس، صدام حسین: همه آنچه را که می‌خواستید برآورده شد، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۴۰۳

ب) کتاب

آزوغ، دوستعلی، روزشمار جنگ در استان ایلام، ایلام: برگ آذین. بی تا
اکبری، مرتضی، تاریخ استان ایلام از آغاز تا سقوط قاجاریه: تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی، قم: انتشارات فقه، ۱۳۸۶.

اکبری، مرتضی، نقش روحانیت استان ایلام در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ایلام: جوهر حیات، ۱۳۹۱.

بدیعی، ربیع، جغرافیای مفصل ایران، ج ۳. تهران: اقبال، ۱۳۶۲.

برزگر، علیرضا، روزشمار جنگ تحمیلی. تهران: سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

تعمیرکاری، محمد مهدی، وارسته‌ای از غرب (زندگی نامه‌ی مرحوم حاج شیخ محمد تعمیرکاری). قم: بنشاسته، ۱۳۸۵.

طاهری مقدم، سید محمد، انقلاب اسلامی در ایلام، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰

عباس صیدی و قاسم نظری، معراج شقایق‌ها. ایلام: برگ آذین ایلام، ۱۳۹۰.

علیزاده، ابراهیم‌زاده، سیمای ایلام. قم: عصمت، ۱۳۷۷.

خوانشی بر نقش روحانیان در پیروزی انقلاب اسلامی در استان ایلام..... ۲۹۳

فوکو، میشل، ایران: **روح یک جهان بی‌روح**، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی، ۱۳۸۹.

قاسمی، محمدعلی، **صحیفه سلطانی**، خاطرات خادم الشهداء، مبارز انقلابی، حجت الاسلام شیخ عباس سلطانی، تهران: نشر شاهد، ۱۴۰۰

مرکز آمار ایران، **سالنامه آماری کشور**. تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷

مصاحبه تلویزیونی از آیت الله محمد تقی مروارید، توسط **نقی بختی**، گوینده‌ی گزارشگر صدا و سیمای مرکز ایلام در مرداد در ایلام انجام شده است، ۱۳۹۰.

هاشمی رفسنجانی، اکبر، **اوج دفاع کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۵**، به اهتمام عماد هاشمی. تهران دفتر نشر معارف انقلاب، چاپ هفتم، ۱۳۸۸

ج) روزنامه‌ها و مجلات

اطلاعات، ۱۳۵۹/۴/۲۹، شماره ۱۶۱۹۴.

اطلاعات، پنجشنبه ۲۱ دی‌ماه ۱۳۵۷.

اطلاعات، چهارشنبه ۱۸ بهمن‌ماه ۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۷۹.

اطلاعات، چهارشنبه ۱۳۵۹/۵/۲۲، شماره ۱۶۲۱۳.

اطلاعات، چهارشنبه ۱۳۵۹/۵/۲۲، شماره ۱۶۲۱۳.

اطلاعات، چهارشنبه ۹ اسفندماه ۱۳۵۷، شماره ۱۷۷۹۶.

اطلاعات، دوشنبه ۱۳۵۷/۱۱/۲۳، شماره ۱۵۷۸۳.

اطلاعات، دوشنبه ۱۳۵۷/۱۱/۲۳، شماره ۱۵۷۸۳.

اطلاعات، سه‌شنبه ۱۳۵۷/۷/۲۵، شماره ۱۵۷۳۵.

اطلاعات، سه‌شنبه ۱۳۵۷/۷/۲۵، شماره ۱۵۷۳۵.

اطلاعات، سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۵۷، شماره ۱۵۷۷۸.

اطلاعات، شنبه ۱۳۵۹/۱۱/۱۱، شماره ۱۶۳۴۸.

اطلاعات، شنبه ۱۳۵۷/۱۱/۲۱، شماره ۱۵۷۸۱.

اطلاعات، شنبه ۱۳۵۷/۸/۶، شماره ۱۵۷۴۴.

اطلاعات، یکشنبه ۱۳۵۸/۸/۷، شماره ۱۵۷۴۵.

اطلاعات، یکشنبه ۱۳۵۸/۸/۷، شماره ۱۵۷۴۵.

جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۵/۳۰، شماره ۶۸.

جمهوری اسلامی، پنجشنبه ۱۲ مهرماه ۱۳۵۸ ه.ش. شماره ۱۰۳.

جمهوری اسلامی، پنجشنبه ۲۹ شهریورماه ۱۳۵۸، شماره ۹۲.

جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۵۸، شماره ۵۶.

جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۵۸ ه.ش. شماره ۵۶.

جمهوری اسلامی، شنبه ۱۳ مرداد ۱۳۵۸، شماره ۵۳.

جمهوری اسلامی، یکشنبه ۱۳۵۸/۴/۱۶، شماره ۳۳.

جمهوری اسلامی، یکشنبه ۱۳۵۸/۳/۲۷، شماره ۱۵ سال اول.

کیهان، شنبه ۱۵ فروردین ماه ۱۳۶۰، شماره ۱۱۲۴۹.

تاجین ائمه بر سرهای لایم نعل از سبزه خنجر خنجر هوانا شد

ایستادگی ملت و ملت

۱- شیخ عبدالرحمن حیدری عزیزند با باخان نخلد اینجام کسی سال در عراق ساکن جزو صابو ادایا بصران بازگردانید شده - فرد بیسه درین صوم نسبتاً د فوادی حسن خیرت کمد رجویا ناخیز تا حدود یه نامرا بنحس اس نسبت باوقتیون کرد ما که تا مرده طلبه خانسا و تمام در سها تاس بعد رجنب منزل خود ادا رصی تا یاد که وچگونه آن بعد رسطین غرض موجب نگرا نی در آینه ما است چون میخانه در کلاسبا ای یاد تکران جبهه و کلاسها یو سمنس طلبه خانسا بعد طای خیر و نرجوان متمصب برای اخلال آرنده تشریه شده

تا میرد متمصب بعد ادا ند رهزار توپا نصل آقا ایسلام اله بن خد اسراء یقرزند سوزند اهراد رهسرا تا ای همسره کارنده آهوز ترسوزی نصیبا شد کتفا ای همسری پول را بشهر با نی ارا نغرا ثبا رنونه این پول را آیه الحیدری در اختیار براد رهسری که انصفا ای ملتس زده نی شد در زنده ان پول دا انصفا شد

آیت الصوب بحث در مسجد پس از کجرام آریبا انصفا و صلح در وهزار توپا نصله حاج سهراب بعد الیسی باذکر ای تکلم همی (آیوید پول بهمنیس با نی) و شجره خواهر شوام اله بن سوزند ایدر سجام اله بن جای خود نشاند منوید من د بگر نصد نی آرم باعث می شود تا آقا ای همسری مقصد کنه و سلسله سید انش خروب و جرح و سپهر و صلح حاج سهراب بعد الیسی از ترس مغولیه لجه ادا می شود که هر چند نامرطی شماره ۵ - ۱ هجری ۱۸ / ۲ / ۷ بد ادا سرا ارمال کرد بد ما به ولی بنظر نرسد که سطلر لوق چرا است اظهار موضع را با کوم سکت کاری سوزی و دهد بد ادا بی نطرا که همی با ثبا و بگر و سلسله سید می شود دا انصفا شده چندی بیسه که در این زمین سیرولها یه یک و سلسله سید با اقرار و کجا کرا همی هسته سمن رجوانا نوجوانا نداد شده ما شد بهر حال هنوز لویا نراجح به صحت و سقم این نامه اظهار نظر کرد

در مسجد جامع در مرا بکن خمیس نصب شد هر دو و کلا عرضش در اطراف آن چاپ شد هر دو کسور و مجلس هر دا انصفا شد

۲- حاج سهراب بعد الیسی سوزند ملک حسین فرد بیسه زیرک و فرست طلب از طرفی حق میکند کفا د ادا است را با خود همراه دا انصفا شد با طرف د یکی را یارشا طرفه ارا نخمیس بنحوا نسا فرست و صدم کوم سوزنا ند روزها ۱۵ بهمن / ۱۶ آفروردین ۲۷ خنجر هوانا کجرا همی هوانا ای از نظر نگوهر جمعیتر کمد من زا در روز اطمینان خنجر هوانا

سند شماره (۲)

خیلی محرمانه

۲

و نا نامرکز کننده و در مورد اخیر چند دقیقه در جلسه با محمد و شرکت کرد (رئیس انجمن استان است)
ظرفداران را در اینها با تکالیف و حزب و ستاخیزنگی خود میباید تسبیح یا مرد صهیونیست و سلبیست
و دولت است اما نباید و نوزند انتر محمد نوی، عهد الله، شمرزاد پیوسته محمد با سید عبدالمسین در جمع آوری -
و نگردد انرا با جاد جمع و حرکت در مسجد دست دارد و در پل نام شماره ۵-۵ از جناب آقای استاد ار
استدای تمهید انداخته است

۳- شیخ محمد تقی و میرانید

برای مراسم موجود نامبرد در سال ۱۳۳۱ از آنست که در تهران بنام سرستان بود که گفته شد ۳۹ زخمین است در اردی
میتواند که سرانجام به شرح پیشانی که با نام ما نامت شده، همچنین بر این نام شماره ۲۱۶۸ / ۱۲ / ۱ / ۲۹۳۶
ساواک اسلام نامبرد به طاعت و از انجمن انرا در آنست که در امپرویا اسلام که دارای فعالیت شد بدین جهت در این
مشکوک بر سران و صفوان قدره انرا از شیخ علی حبیبی کوپانی در مسجد جامع اعلام نموده به عنوان محمد و بدینیکه
برایش وجود دارد نمیتواند وظایف خود را بنحوص احسن انجام دهد و خطاب به جوانان گفت است که با پیش در این مورد
اهداف دینی از خود گذشته نشان دهند و در آن جلسه جوانان را حرکت نموده است و از آن بعد نیز در کلبه جلالت
جوانان را احساسات و حرکت نموده بود زیرا سید حبیب بکسر ایجاد در دستش و شور و غم در اینها است و از آن بعد در اینها
پکتهای تقاضای میباید

۴- حاج هاشم نعمتی نوزند محمد اله

نزد به سیار و تمصب بدین و اخیراً با انگیزه حرکت استخار منسب خلال تقسیم با پیروند متکلم با و انرا مرام
کما این طریق بداد سرای خط امس قسم آیا در امرام شد است نامبرد میباید در کلبه جانی مخصوص در مسجد جامع
طناً تبلیغ غیبی اعمالیه با صدای بلند بنشیند و شمار میدهد حسن در هرگز باز جوش گفت است که من معتقد به غیب
هستم و اگر اسلام بیاید تدن روی چشمانم میباید
آقایان صالح روشی نسرزند محمد و جاسم نوروزی در پیشتر و غیر نوزند قاسم و رستم برنجی نسرزند کس
جای طبعان جوانان نسرزند محسوب و نعمت اللطیف بر نسرزند اسماعیل و سید الحسین جراحی نسرزند سید محمد از افراد

خیلی محرمانه

